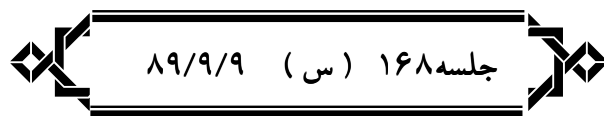


شود یا مطلقا و یا در غیر صلاة؟ به هر حال این روایت دلالت بر جواز تممض دارد.

اما روایتی هم در این باب داشتیم که دلالت بر تقیید داشت (یعنی امام می فرماید اگر برای وضو و برای نماز است اشکالی ندارد و إلا اشکال دارد) روایت سماعة بود که حدیث چهارم از این باب ۲۳ بود، خبر این است: «بِإِسْنَادِهِ (شیخ طوسی) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ فِي حَدِيثٍ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ عَثَبَ بِالْمَاءِ يَتَمَضَّمُ بِهِ مِنْ عَطَشٍ فَدَخَلَ حَلَقَهُ قَالَ عَلَيْهِ قَضَاؤُهُ وَإِنْ كَانَ فِي وَضُوءٍ فَلَا بَأْسَ بِهِ». این روایت مورد عمل مشهور است.

اما روایتی داشتیم که قائل به تفصیل شده بود (که اگر وضو برای نماز فریضه باشد اشکالی ندارد ولی اگر برای نافله باشد قضا بر گردن روزه دار می باشد) خبر حماد بود که خبر اول از این باب ۲۳ بود خبر این است: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الصَّائِمِ يَتَوَضَّأُ لِلصَّلَاةِ فَيَدْخُلُ الْمَاءَ حَلَقَهُ فَقَالَ إِنْ كَانَ وَضُوءُهُ لِصَّلَاةٍ فَرِيضَةً فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَإِنْ كَانَ وَضُوءُهُ لِصَّلَاةٍ نَافِلَةٍ فَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ». «

اما روایتی در باب وجود دارد که در ماه رمضان بین وقت فریضه و غیر وقت فریضه فرق می گذارد که خبر سوم از این باب ۲۳ می باشد، خبر این است: «عَنْ عَدَةَ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ يُونُسَ قَالَ الصَّائِمُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يَسْتَاكُ مَتَى شَاءَ وَإِنْ تَمَضَّمُ فِي وَقْتِ فَرِيضَةٍ فَدَخَلَ الْمَاءَ حَلَقَهُ (فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ) وَقَدْ تَمَّ صَوْمُهُ وَإِنْ تَمَضَّمُ فِي غَيْرِ وَقْتِ فَرِيضَةٍ فَدَخَلَ الْمَاءَ حَلَقَهُ فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ وَالْأَفْضَلُ لِلصَّائِمِ أَنْ لَا يَتَمَضَّمُ». « ذیل این روایت می گوید بهتر است روزه دار مضمضه نکند از این روایت دوم که می گوید فرد روزه دار می تواند مضمضه کند ولی در این کار مبالغه و زیاده روی نکند دلالت بر کراهت این کار دارد، لذا عنوان (لا یبالغ) در خبر دوم کراهت را می رساند نه حرمت را.



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث در مواردی است که روزه باطل است ولی فقط قضا دارد دون الکفارة. صاحب عروة در بیان مورد نهم به بحث مضمضه اشاره می کند و می فرماید: «التاسع: إدخال الماء في الفم للتبرد بمضمضة أو غيرها فسبقه ودخل الجوف فإنه يقضى ولا كفارة عليه وكذا لو أدخله عبثا فسبقه وأما لو نسي فابتلعه فلا قضاء عليه أيضا وإن كان أحوط ولا يلحق بالماء غيره على الأقوى وإن كان عبثا كما لا يلحق بالإدخال في الفم الإدخال في الأنف للاستنشاق أو غيره وإن كان أحوط في الأمرين».

صاحب عروة می فرماید اگر مضمضه به خاطر خنک شدن باشد و اشتباه آب فرو رود و یا اگر به خاطر عبث و بازی این کار را بکند و اشتباها آب فرو رود در هر دو حال روزه اش باطل است ولی کفاره ندارد و فقط باید قضایش را به جا آورد.

در جلسه قبل چند خبر از باب ۲۳ از ابواب ما میسک عنه الصائم را خوانیدم و گفتیم که خبر پنجم از این باب دلالت دارد بر جواز تممض برای صائم مطلقا، عرض کردیم که در این خبر پنجم شخصی از حضرت در مورد مضمضه برای صائم سؤال می کند و حضرت می فرماید که اشکالی ندارد، بعد راوی برای دومین بار می پرسد باز حضرت می فرماید اشکالی ندارد و برای سومین بار می پرسد که اگر اشتباها آب را فرو ببرد چطور؟ حضرت می فرماید اشکالی ندارد. خبر پنجم از باب ۲۳ این خبر است: «

عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ السَّابَّاطِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّجُلِ يَتَمَضَّمُ فَيَدْخُلُ فِي حَلَقِهِ الْمَاءَ وَهُوَ صَائِمٌ قَالَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ إِذَا لَمْ يَتَعَمَّدْ ذَلِكَ قُلْتُ فَإِنْ تَمَضَّمُ النَّائِبَةَ فَدَخَلَ فِي حَلَقِهِ الْمَاءُ قَالَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ قُلْتُ فَإِنْ تَمَضَّمُ الثَّلَاثَةَ قَالَ فَقَالَ قَدْ أَسَاءَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَلَا قَضَاءٌ». « خوب حالا باید ببینیم که آیا در قسمت آخر روایت که می فرماید (قد أساء) آیا باید تممض حمل بر کراهت

دهمین مورد از مواردی که روزه فقط قضا دارد نه کفاره، ملاعبه است در مورد کسی که عادت ندارد با ملاعبه از او منی خارج شود حال اگر چنین شود صاحب عروه در این مورد می فرماید: «العاشر: سبق المنی بالملاعبة أو بالملامسة إذا لم یکن ذلک من قصده و لا عادته علی الأحوط و إن کان الأقوی عدم وجوب القضاء أيضاً».

بعد صاحب عروه وارد فصل هشتم می شود که ما این شاء الله این بحث را بعد از ماه محرم ادامه می دهیم....

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

گفتیم که مشهور با توجه به اخبار باب از وضو به غسل تعدی کرده اند، در روایت سماعه آمده است که فردی با آب عبث و بازی می کند و در حال مضمضه مقداری را فرو می برد، از این رو اگر مضمضه برای عبث نباشد مثلاً کسی می خواهد دهانش را آب بکشد و امثال آن همه جایز است و حتی منحصر به وضو و غسل هم نیست بلکه حتی وضوی مستحبی را هم شامل می شود و انحصار به طهارت برای نماز ندارد و خلاصه هر موردی که عبث نباشد همه داخل در جواز است و اگر اشتهاً فرو رود قضا هم ندارد و مهمتر از همه این است که هر جا که در شمول حدیث شک کردیم قائل به عدم قضا می شویم یعنی اصل برائت جاری می کنیم.

(مسئله ۳): لو تمضمض لوضوء الصلاة فسبقه الماء لم یجب علیه القضاء سواء كانت الصلاة فريضة أو نافلة علی الأقوی بل لمطلق الطهارة و إن كانت لغيرها من الغایات من غیر فرق بین الوضوء و الغسل و إن کان الأحوط القضاء فیما عدا ما کان للصلاة الفريضة خصوصاً فیما کان لغير الصلاة من الغایات. بحث در این مسئله را قبلاً مطرح کردیم.

(مسئله ۴): یکره المبالغة فی المضمضة مطلقاً و ینبغی له أن لا یبلغ ريقه حتی یبزیق ثلاث مرات.

علت کراهت را عرض کردیم (عبارت لا یبالغ در خبر دوم) بعد صاحب عروه می فرماید شایسته است که بعد از مضمضه آب دهانش را فرو نبرد مگر اینکه سه بار آب دهان را بیرون بریزد.

(مسئله ۵): لا یجوز التمضمض مع العلم بأنه یسبقه الماء إلی الحلق أو ینسی فیبلعه.

علت عدم جواز این است که در فرض مزبور مضمضه مقدمه برای فرو بردن غیر اختیاری است از این رو هرچند فرو بردن آب غیر اختیاری است ولی چون خود مضمضه که به این کار منجر می شود اختیاری است لذا اگر به فرو بردن منجر شود این در حکم افطار عمدی محسوب می شود. هکذا اگر فرد بسیار فراموش کار است و می داند اگر آب را در دهان بچرخاند به دلیل نسیان آن را فرو می برد این هم جایز نیست.